

# جایگاه منظومه‌های نو در ادبیات کودکان

جمال‌الدین اکرمی

منظومه، عنصر ماجرا را از ادبیات داستانی گرفته است و عنصر موسیقایی و عناصر زیبایی‌شناسانه زبان را از شعر. به این ترتیب، منظومه پیوندی ارگانیک میان ادبیات شعری و داستانی برقرار کرده. منظومه‌ای چون رستم و سهراب، افزون بر آن که بار داستانی‌اش را در ارتباط جذاب با مخاطب حفظ کرده، سرشار از صنایع و نوآوری‌های شعری است که در جای جای آن موج می‌زند؛ چه از عناصر موسیقایی‌اش که از ویژگی‌های قالب

یکی از غنی‌ترین و گسترده‌ترین گنجینه‌های ادبیات کلاسیک فارسی را منظومه‌ها تشکیل می‌دهند؛ از موش و گربه گرفته تا منطق‌الطیر، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، یوسف و زلیخا و شاهنامه. در این میان، طیف وسیعی از شاعران نام‌آور هم چون عبید زاکانی، مولوی، نظامی، جامی و فردوسی، توجهی خاص به ثبت داستان‌ها و افسانه‌های ملی، در قالب شعر منظوم، از خود نشان داده‌اند. منظومه، داستانی است که به شعر درآمده.



منظومه قهرمان، سروده تقی کیارستمی  
تصویرگر: فرشید منقالی

نزدیکی چنین منظومه کوتاهی، به شکل و شمایل مثل‌ها و لحن عامیانه‌پسند، چنان است که فراگیری آن را در میان طیف کودکان مکتب‌خانه‌ای، آسان می‌ساخته و به راحتی در میان خواندنی‌های آنان جای می‌گرفته. نمونه‌هایی از این دست، به فراوانی، در میان متون قدیمی و آموزش مکتب‌خانه‌ای به چشم می‌خورد. ویژگی مشترک کودکان و مردم عامه را باید در ساده‌پسندی، گرایش به موسیقی و درک سریع رویداد مثل‌ها یا منظومه‌ها دید. اشعار عامیانه، به همین دلیل، از علاقه مشترک کودک و بزرگسالان کم‌سواد برخوردار بوده است. هر دوی این گروه انتزاع در ادبیات را کمتر درک می‌کنند، از دایره واژگان محدودتری برخوردارند و به شعرهایی حافظه‌سپار نیازمندند.

در ترانه‌ها نیز با ویژگی‌هایی از این دست روبه‌رو می‌شویم؛ ویژگی‌هایی که از دو عنصر شعر و روایت، در ساختار عامیانه خود برخوردار است:

دختری دارم شاه نداره  
 تو خوشگلی تا نداره  
 صورت شو ماه نداره  
 به کس کسوتش نمی‌دم  
 به همه کسوتش نمی‌دم  
 به راه دورش نمی‌دم  
 به مرد کورش نمی‌دم  
 شاه بیاد با لشکرش  
 امیر نظام پشت سرش  
 واسه پسر بزرگترش  
 آیا بدم، آیا ندَم

«وزن ترانه‌ها از آهنگ زندگی برداشت شده است. احساس و عواطف آدمی در شادی، اندوه، کار و بازی، رنگ‌های کوناگون می‌گیرد. این رنگ‌ها با آوازهای طبیعت هماهنگ می‌شود و افسونگرانه به ترانه‌های عامیانه جان می‌بخشد.»<sup>(۱)</sup>

مثنوی در بحر متقارب بهره برده و چه از عناصر زیبایی‌شناسانه‌اش در عرصه زبان که از انواع صنایع کنایی و مجاز برخوردار است.

بنابراین، بی‌توجهی به کارکرد منظومه‌ها در عرصه شعر، به ویژه شعر امروز که از این کاستی رنج می‌برد، نمی‌تواند آگاهانه باشد، بدون شک، بسیاری از عناصر اصلی شعر، چه در وجه کنایی آن و چه در وجه زبان‌شناسی‌اش در منظومه‌ها نیز به چشم می‌خورد. اگر چه می‌توان کمبود عناصری چون ایجاز را به دلیل ویژگی‌های منظومه و تسلسل ماجراهای داستانی‌اش، عنوان کرد و یا دور شدن منظومه‌ها را از جنبه‌های دستیابی سریع به حس‌های عاطفی که در شعر کوتاه و ناب هست و یا از عدم تأثیرگذاری لحظه‌ای در آن‌ها گفت‌وگو به میان آورد و همه این‌ها تفاوت‌های درونی شعر ناب و منظوم است، شکی نیست که منظومه‌ها از ویژگی‌های بنیادی شعر بهره‌مند هستند و آن‌ها را باید در جایگاه شعری خود، به ویژه بر محوری که کشش روایی بر آن حاکم است، بررسی کرد.

اگر چه نمی‌توان حضور گسترده‌ای از شکل و شمایل منظومه را در تعریف ادبی آن، در ادبیات عامیانه یافت، بسیاری از ترانه‌ها و مثل‌ها را می‌توان شکل‌های اولیه منظومه‌ها در این‌گونه ادبیات قلمداد کرد. به عنوان مثال، نمونه شعر زیر از ادبی‌ترین نوع منظومه‌های عامیانه به حساب می‌آید:

بوده‌ست خری که دم نبودش  
 روزی غم بی‌دمی فرودش  
 در دم‌طلبی قدم همی زد  
 دم می‌طلبید و دم نمی‌زد  
 روزی نه ز راه اختیاری  
 بگذشت میان کشتزاری  
 دهقان مگرش ز گوشه‌ای دید  
 برجست و زاو دو گوش بُبَرد  
 بیچاره خر آرزوی دم کرد  
 نایافته دم، دو گوش گم کرد

۱. تاریخ ادبیات کودکان در ایران، محمد محمدی و زهره قایینی (تهران: نشر چشمه، سال ۱۳۸۰)، جلد ۱، ص ۴۶.

در مَثَل‌ها نیز با نمایه‌هایی مسلط از لحن روایت‌ها روبه‌رو می‌شویم. روایت‌هایی که از عناصر بازی، طنز و فانتری به فراوانی بهره گرفته و هر نسلی آن را برای آیندگان خود نقل می‌کرده است. مثل‌هایی چون «یکی بود، یکی نبود»، «دویدم و دویدم»، «رفتم به باغی»، «خاله سوسکه»، «اتل متل»، «کک به تنور»، «گنجشک اشی مشی»، «روباه دم بریده» و «کدوی ققله‌زن» از این جمله‌اند.

وجود ویژگی‌های موجود در نظام کاستی دوران باستان و اصرار به خاص بودن و تعلقات درباری در دوران پس از اسلام، سبب می‌شد تا لحن گفت‌وگوی عامیانه و گرایش‌ات مردم کوچه و بازار مورد تمسخر و انکار قرار گیرد و تا حد ممکن از آن دوری جسته شود؛ زیرا خواندن این گونه آثار با دست افشانی، پایکوبی و رقص همراه بوده و این گونه شادی‌ها و جشن‌ها با بزرگی و شکوه مهمانی‌های بزرگان همخوانی نداشت.<sup>(۱)</sup>

به هر حال، در نخستین نمونه از منظومه‌های رسمی، به متن درخت آسوریک یا منظومه درخت خرما و بُزی برمی‌خوریم که یادگار ادبیات پهلوی به شمار می‌رود. «درخت آسوریک کهن‌ترین متن ادبی کودکان ایران است که دیرینگی آن به نزدیک سه هزار سال می‌رسد. این افسانه نوشتاری، نشانه آشکار پیشینه دراز ایرانیان در نوشتاری کردن داستان‌های ویژه کودکان است.»<sup>(۲)</sup>

بخشی از این منظومه چنین است:

- درختی رسته است  
 سراسر (تر) کشور سورستان  
 - بُنَش خشک است  
 سرش است تر  
 - برگش (به) نی ماند  
 برش ماند (به) انگور  
 - آن درخت بلند  
 با بُز، بُبرد کرد (هم بُبرید)  
 - که: من، از تو برترم

به بس (یار) گونه چیز  
 - و مرا به خونیرس زمین  
 درختی، همتن نیست...<sup>(۳)</sup>

چنین منظومه‌ای در کنار ادبیات روایی ایران باستان، هم چون منظومه یادگار زیربان و متن‌های غیر شعری سندیاد، هزار داستان، تشتریت و کارنامه اردشیر بابکان قرار گرفته که از میان آن‌ها داستان‌هایی چون آرش کمانگیر، از متن تشتریت و زیر و ارجاسب، از متن یادگار زیربان گرفته شده و برجسته‌ترین آن‌ها خدای نامک است که در آن، نام پادشاهان دودمان‌های ایرانی و رویدادهای دوره‌های گوناگون، همراه با افسانه روایت می‌شود.<sup>(۴)</sup>

«محمدتی بهار، درباره گونه‌های موزون در دوران ساسانی می‌نویسد: در ایران دوران ساسانی، گویا سه گونه شعر رواج داشته: سرود، داستان، ترانه.

سرودها: هم چون سرود خسروانی، اشعاری هجایی، دارای قافیه و طولانی بوده‌اند که تنها در برابر پادشاهان، موبدان و آتشکده‌ها خوانده می‌شدند.

داستان‌ها: مجموعه‌ای از حماسه‌ها، بیان نیکی‌ها و بزرگی‌های پهلوانان، بزرگان و پادشاهان بوده‌اند که در حضور بزرگان و در گردهمایی‌ها و جشن‌های ملی و میدان‌های بازی، همراه با موسیقی خوانده می‌شدند.

۱. محمدتی بهار، بهار و ادب فارسی: مجموعه یک صد مقاله از ملک‌الشعرا بهار، به کوشش محمد گلین (تهران: کتاب‌های جیبی، ۱۳۷۱)، ج ۱، ص ۷۰، به نقل از تاریخ ادبیات کودکان در ایران، ج ۱، ص ۲۰.
۲. منبع ۱، ص ۱۸۴.
۳. درخت آسوریک: متنی پهلوی، آوانوشت، ترجمه فارسی، فهرست واژه‌ها و یادداشت‌ها از ماهیار نوایی (تهران: فروهر، ۱۳۶۳)، ص ۴۱، به نقل از منبع ۱، ص ۱۸۸.
۴. منبع ۱، ص ۱۶۱.

ترانه‌ها: شامل شعرهای عاشقانه، غزل و تصنیف و ویژه توده مردم بوده‌اند. در گردهمایی بزرگان، این گونه شعرها کم‌تر خوانده می‌شد؛ زیرا خواندن آن‌ها با دست‌افشانی، پایکوبی و رقص همراه بود و این گونه شادی‌ها و جشن‌ها یا بزرگی و شکوه مهمانی‌ها و گردهمایی‌های بزرگان، هم‌خوانی نداشت.<sup>(۱)</sup>

بنابراین، داستان‌های موزون که ما از آن‌ها به عنوان منظومه یاد می‌کنیم، در جشن‌های ایران باستان و در حضور بزرگان همراه با موسیقی خوانده می‌شده و نوعی ادبیات شهری یا رسمی به شمار می‌رفته و ترانه‌ها که بسیاری از آن‌ها نیز از لحنی روایی و منظوم گونه برخوردارند، به ادبیات روستایی و غیر مکتوب تعلق داشته است.

آثار شعری دوران باستان، چه به صورت سرود، چه به صورت منظوم و چه به صورت ترانه، عمدتاً شعرهایی بر پایه هجاها بوده:

«زبان شعری درخت آسوریک، همان زبان گات‌هاست؛ یعنی منظومه‌ای به شیوه شعر هجایی که با تکیه بر آواها پدید می‌آید و نه بر پایه برابر بودن هجاها و یکسانی وزن. در پایان مصراع‌ها هر بیت به شکل میانگین ۱۲ هجا و دست‌کم ۱۰ و دست بالا ۱۴ هجا دارد. این اثر ثابت می‌کند که در ایران پیش از اسلام، گونه‌ای شعر جدا از شعر عروضی عرب وجود داشته است.»<sup>(۲)</sup>

صادق هدایت معتقد است: «این ترانه‌ها بازتاب روح توده مردم هستند که بدون تکلف و بدون رعایت قواعد شعری و عروض، هم چون اشعار فارسی پیش از اسلام، با بهره‌گیری از هجاها و آهنگ سروده شده‌اند. گروهی از این ترانه‌های ملی بدون قافیه، نمونه ساختارهای کهن‌ترین شعرهای فارسی و شاید از سرودهای پیش از تاریخ نژاد آریا هستند.»<sup>(۳)</sup>

«بیشتر بخش‌های اوستا، موزون بوده و مانند سرودخوانده می‌شده است... مانند این قطعه از گات‌ها:

وهو خشترم وریم  
باغم ابی بریستم  
سکیه و ثنای مزدا و هیستم  
تت نه نوچیت ورشانه.  
این شعر، با ترانه زیرین، وزن و آهنگی یکسان دارد:

هاجستم و واجستم  
نو حوض نقره جستم  
خانومی به قریونم شد  
نقره نمکدو نم شد.<sup>(۴)</sup>

از نخستین منظومه‌های دوران سده‌های میانه، باید از متن شعری کللیله و دمنه یاد کرد که از سرزمین هند به ایران راه یافته و به زبان پهلوی ترجمه شده. رودکی، شاعر بزرگ سبک خراسانی، به تشویق امیر سامانی، در صدد به شعر در آوردن و منظوم کردن این کتاب برآمد. اگر چه از متن شعری کللیله و دمنه، امروزه اثر بسیار اندکی (در حدود چند بیت) به جا مانده، از متون پراکنده در آن دوران چنین بر می‌آید که رودکی، به خوبی از عهده چنین کاری برآمده است.

شاعران سبک خراسانی، به سبب روی آوری به ادبیات باستان و به منظور حفظ ریشه‌های اصیل زبان فارسی، در صدد برآمدند متون کهن پهلوی را به فارسی برگردانند. این متون که بخش وسیعی از آن به صورت حکایت‌ها و افسانه‌های کهن بود، در منظومه‌های آنان راه یافت که از میان آن‌ها می‌توان «شاهنامه ابوالمؤید بلخی» شاعر و نویسنده قرن چهارم، «شاهنامه ابومنصوری» و «شاهنامه فردوسی را نام برد.»<sup>(۵)</sup>

۱. منبع ۲.

۲. منبع ۱، ص ۱۹۵.

۳. صادق هدایت، نوشته‌های پراکنده (تهران: امیر کبیر، ۱۳۳۴)، ص ۲۹۸ به نقل از از منبع ۱، ص ۲۱.

۴. همان جا.

۵. نگاهی به آثار منثور و منظوم فارسی و جایگاه کودکان در آن‌ها، نوشته فرشته سپهر، نشریه پیام کتابخانه، شماره دوم، سال یازدهم، ص ۲۷.

اما نخستین منظومه‌هایی که مورد توجه کودکان و نوجوانان قرار گرفت، از دل منظومه‌های بزرگسال سر در آورد. منظومه‌هایی که به ادبیات بزرگسالان تعلق داشت، ولی به دلیل جذابیت ماجرا و آهنگین بودن شعرها توانست بخش بزرگی از ادبیات دلخواه کودکان را در برگیرد. نخستین این منظومه‌ها را باید در همان منظومه‌های «موش و گربه»، «رستم و سهراب»، «لیلی و مجنون» و مانند آن‌ها دید.

وابستگی کودکان به متون ساده‌تر و روایی‌تر ادبیات بزرگسالان تا سده سیزدهم و تا بخش پایانی «دوران بازگشت ادبی» ادامه یافت تا آن که گرایش به زبانی ساده و عامه فهم، در سال‌های نزدیک به انقلاب مشروطه، سبب شد نخستین جرقه‌های تدوین متن‌های کودک‌پسند و حتی متن‌هایی برای کودکان افروخته شود. در این میان، نخستین شکل‌های مستقل شعر (و حتی ادبیات) برای کودکان به صورت منظومه تدوین شد. این آثار اگر چه به صورت «کتاب کودک» در آن زمان عرضه نشد، به صورت ادبیات کودک جلوه کرد. منظومه‌هایی چون «علی‌مردان‌خان» ایرج میرزا، «بزرگ سمیر، بهار میاد» محمدتقی بهار و منظومه‌های پروین اعتصامی در اشکال متفاوت «مناظره» ها، جایگاه خاصی دارد. بررسی چنین مجموعه‌ای بیانگر این نکته جنبی نیز هست که باید شکل‌گیری پدیده «ادبیات کودک» را نزدیک به نیم قرن جلوتر از تدوین «کتاب کودک» قرار داد.

همان گونه که شعرهای کلاسیک نو در قالب چهارپاره، توانست گذشته شعر عرفانی و آینده شعر آزاد نیمایی را به یکدیگر پیوند دهد، در عرصه منظومه‌ها نیز وجود مضمون نو در زبان شعری و سادگی بیان در ادبیات معاصر به وقوع پیوست. منظومه‌هایی چون علی‌مردان‌خان، سروده ایرج میرزا، در زمینه طنز و منظومه‌های «افسانه» و «خانواده سرباز» نیما، در زمینه

حضور عشق و عاطفه، این پل ارتباطی را میان شعر کهن و شعر معاصر برقرار کرد. منظومه افسانه نیما که مقدمه فرو ریختن دیوارهای بلند عروض کلاسیک به شمار می‌رود، در سال ۱۳۵۷، توسط انتشارات کانون پرورش و با تصویرگری‌های بهمن دادخواه، رسماً به عرصه ادبیات کودکان و نوجوانان راه یافت.

جدایی ادبیات عامیانه و روستایی از ادبیات رسمی و شهری تا سده سیزدهم ادامه یافت تا این که با توجه به فعالیت شخصیت‌هایی چون ژوکوفسکی، صادق هدایت، حسین کوهی کرمانی، محمدتقی بهار، صبحی مهدی، انجوی شیرازی و مهدی آذریدی، ادبیات فولکلوریک به حوزه ادبیات و فرهنگ فارسی راه یافت. صبحی مهدی، نخستین پژوهشگری است که از طریق رادیوی ملی ایران، به گردآوری افسانه‌های عامیانه و متل‌ها پرداخت و آن‌ها را از سال ۱۳۲۳، در کتاب‌هایی مستقل برای کودکان و نوجوان به چاپ رساند. این تلاش، بعدها با توجه مهدی آذریدی به افسانه‌های عامیانه، ابعاد تازه‌ای یافت و کودکان با شوق فراوان، در کنار ادبیات رسمی، به خواندن متون کهن و برخاسته از نقل قول‌های سینه به سینه مردم پرداختند. از این پس، فاصله ژرف میان ادبیات فولکلوریک و ادبیات رسمی کوتاه شد و تلاش‌هایی جدی در جهت شناسایی فرهنگ عامیانه صورت گرفت و حتی شاعران شعرهای بزرگسال، هم چون احمد شاملو، در منظومه‌های «پریا» و «دخترای ننه دریا»، حضور فرهنگ عامیانه را در میان ادبیات خلاق و ماندگار، تا به آن جا ارزش بخشیدند که به پیدایش نوعی ادبیات محاوره‌ای و زبان گفتاری در شعر امروز منجر شد.

همان طور که شکل‌های اولیه ادبیات رسمی کودکان، از منظومه‌های عنوان شده ایرج میرزا، بهار و پروین اعتصامی آغاز شد، حضور زبان شکسته در شعر نیمه رسمی نیز از منظومه‌های

«پریا» و «دخترای ننه دریا»ی شاملو، در دهه ۳۰ شکل گرفت و از آن پس، این آثار سرمشق بسیاری از شاعران دیگر در سرودن شعرهای روایی به زبان محاوره قرار گرفت و شاعرانی چون م. آزاد و منوچهر نیستانی آن را در ساختارهایی مشابه به کار گرفتند. مقدمه شکل‌گیری چنین ساختاری را می‌توان کارکرد زبان در متل‌ها و ترانه‌های عامیانه ادبیات فولکلوریک و نیز زبان ساده و کودکانه نیما در شعر «بچه‌ها بهار» جست‌وجو کرد:

گل‌ها و اشکند  
برف‌ها پا شدند  
از رو سبزه‌ها  
از رو کوهسار  
بچه‌ها بهار  
داره رو درخت  
می‌خونه به گوش  
«پوستین را بکن  
قبا را بیوش»...

با نگاهی ساده می‌توان به این نتیجه دست یافت که ساختار شکنی در ادبیات کلاسیک، بسیار پیش از آن که توسط نواندیشان نئوکلاسیک، هم چون محمدتقی بهار، ایرج میرزا و پروین اعتصامی و بعدها توللی و نادرپور و سرانجام، نیمای بزرگ صورت گیرد، در ادبیات عامیانه شکل گرفته و در میان مردم رواج یافته بود. البته، از آن جا که نفوذ ادبیات شفاهی و عامیانه در ادبیات دبیری و شهری، بسیار کند و با تردید انجام می‌شد، این ساختار شکنی اغلب ندیده گرفته شد و در ادبیات شهری بسیار به تأخیر افتاد. جدایی طولانی ادبیات شهری و دبیری با ادبیات عامیانه و روستایی، سبب شده بود که هر یک مسیری جداگانه طی کنند، ولی در عین حال، گسستن قید و بندهای مرسوم شعر کلاسیک در آثار عامیانه، با دخالت و خلاقیت توده مردم، بسیار سریع‌تر انجام شد.

«شعر شهری عمدتاً به اشرافیت و دربار می‌پرداخت و مشوقان آن‌ها پادشاهان بودند، اما شعرها و ترانه‌های عامیانه، حتی رنگ و بوی میهنی و معترضانه داشت...»<sup>(۱)</sup>

به نمونه‌ای از ترانه‌ها که بسیار پیش‌تر از «افسانه» نیما و حضور شعر نو، به سنت شکنی در زبان، درون‌مایه و دایره واژگان دست زده، توجه کنیم. این ترانه را ژوکوفسکی، در سال ۱۲۶۵، در شیراز شنیده و نوشته است:

سر کوه بلند جنگ تفتنگه  
صدای ناله تیر و تفتنگه  
سر کوه بلند جنگ می‌کنم من  
قبای می‌خکی رنگ می‌کنم من  
الهی رنگرز رنگت بجوشه  
خودم نیلی کتم، یارم بیجوشه  
قبای می‌خکی، دگمه چپ و راست  
میون صد جوون چشم تو رو خواست  
میون صد جوون یادم نکردی  
دو انگشت کاغذی شادم نکردی<sup>(۲)</sup>

تازگی مضمون، عدم رعایت دقیق ساختار عروضی شعر، استفاده از دایره واژگان شکسته، کاربرد واژه‌های غیررسمی در شعر (مثل رنگرز، قبای می‌خکی، دگمه، کاغذ به جای نامه) و عناصر روستایی تفتنگ، پلنگ و سر کوه بلند، توجه به ساختارهای نو در شعر عامیانه را به نمایش گذاشته. اتفاقی که در ترانه‌های دیگر حتی به حذف قافیه و بیت‌بندی شعر و توجه به تکیه‌های آوایی انجامیده است. از جمله در این ترانه که در سال ۱۲۹۱، توسط ایوانف، خاورشناس روسی، در دهات خراسان شنیده شده:

نصرو نصرو جان - جاجان - ای نصرو جان

۱. مقاله تصاویر اشرافیت در شعر کودکان، شهرام رجب‌زاده، حیات نو، ۱۹ اردیبهشت ۸۰.  
۲. پیرومذ موسیقی و شعر، حسین علی‌ملاح، (تهران: نشر فضا، ۱۳۶۷)، به نقل از کتاب نمونه‌های فولکلور فارسی، ص ۲۴۲.



حیف تو نصر و - به خدا - رفتی ترکستان  
 مادر نبینه - به خدا - داغت نصر و جان  
 تفنگ نصر و - به خدا - دو حلقه داره  
 کنار نصر و - به خدا - دو بچه داره  
 نصر و نصر و جان - جاجان - ای نصر و جان  
 و یا این ترانه که ژوکوفسکی، در شیراز شنیده:  
 من که چون اشتران قانع به خارم  
 جهازم چوب و خلواری به بارم  
 دلم شد پاره پاره  
 جگرم شد پاره پاره  
 با برو کن اشاره  
 با مژگان زن قناره<sup>(۱)</sup>

نوآوری در ساختار این شعرها که بیشتر از زبان مادران داغ دیده و چوپانان صحراگرد نقل می شده، نه تنها آگاهانه صورت گرفته، بلکه بر مدار نیازهای حسی و عاطفی شکل گرفته و هیچ در بند رعایت اصول کلاسیک شعری نبوده.

به نظر می آید ساختار شکنی آگاهانه ای که نیما در شعر افسانه اش به کار گرفت، زیر تأثیر همین گلیه ها و زبان مردم روستایی شکل گرفته باشد. منظومه بلند افسانه نیما که از نخستین منظومه های نو در ادبیات معاصر به شمار می رود، از آخرین تلاش های ارزشمندی است که به نقش منظومه ها در شعر معاصر داده شده و بعدها چنان که خواهیم دید، کم کم به فراموشی کامل سپرده شده است.

تأثیرپذیری از لحن روایی در ترانه های فولکلوریک، نه تنها در زبان فارسی و در آثار نیمای نوپرداز، بلکه در آثار بسیاری از شاعران بزرگ جهان، از جمله کارل سندبرگ و لتگستون هیوز دیده می شود. در ترجمه ای از ترانه های سیاهان آمریکا، به مضمونی این چنینی برمی خوریم. مضمونی که از منظومه «شکوّه پل ملی» گرفته شده:

اون وقت کشیدنت بیرون، از پستو کشیدنت بیرون

صدتا آدم عربده کشون، با بدو بیراه دنبالت.  
 باید خودت بودی و می دیدی، سامی سوسکی  
 تو خنده روده بر شده بودم من از زور خنده  
 از زور خنده  
 از زوره خنده  
 روده بر شده بودم من از زور خنده...<sup>(۲)</sup>  
 و یا این شعر هیوز:  
 یه سیام من:

سیا، مت شب که سیاس

سیا، عین اعماق آفریقای خودم<sup>(۳)</sup>

گارسیا لورکانیز در خاطرات خود درباره تأثیرپذیری اش از ترانه سرایان محلی گرانادا که زادگاهش بود، حرف می زند. «او به شنیدن ترانه هایی که کولیان می خواندند، شوق عجیبی داشت. این افسانه ها و ترانه ها را عمیقاً به خاطر می سپرد... و بعدها به گرتّه آن ها نمایش واره هایی می ساخت... و برای اهل خانه اجرا می کرد»<sup>(۴)</sup>

او حتی بسیاری از شعرهایش را با عنوان های «ترانه ناسروده»، «ترانه آب دریا»، «ترانه شرقی» و «ترانه ماه، ماه» نامگذاری می کند. همین تأثیرپذیری در آثار ریتسوس، با عنوان «ترانه های میهن تلخ» شکل می گیرد و در آثار ژاک پرهور، با عنوان «ترانه در خون» و «ترانه برای کودکان زمستان».

تأثیرپذیری از ترانه های ملی که زمانی برای ادبیات رسمی و دبیری ایران، نوعی احتیاط و اجتناب پرهیزکارانه به شمار می رفت، با نوآوری های شاعران امروز به خلق آثاری ماندگار منتهی شد. این تأثیرپذیری در شعر شاملو، منظومه های نو و تازه ای پدید آورد که بعدها در ادبیات کودکان ایران جا گرفت و در آثار بسیاری از

۱. همان جا.

۲. هم چون کورچه ای بی انتها، ترجمه احمد شاملو، (تهران: انتشارات آگاه، چاپ چهارم، ۱۳۷۶).

۳. همان جا.

۴. همان جا، ص ۱۵۹.

به چشم می‌خورد.

### ✱ همزیستی ادبیات رسمی و ادبیات فولکلوریک در شعر امروز

طی دوران انقلاب مشروطه که در میانه دوران بازگشت ادبی و ادبیات معاصر قرار دارد، انزجار از وابستگی تنگاتنگ به هیات حاکمه، فضای تازه‌ای پدید آورد و به شاعران و نویسندگان فرصتی داد تا خود را به توده مردم و خواسته‌های آنان که زمانی دیر از ادبیات رسمی کنار گذاشته شده بود، نزدیک کنند و در قالب شعرهای عارفانه، تغزلی، میهنی و هجویه‌ها، نمودی تازه یابند. منظومه «تابلوی مریم» میرزاده عشقی که آکنده از عشقی فداکارانه و انسان‌دوستانه است، یادگار چنین دورانی است. ترانه‌های میهنی میرزاده عشقی، هجویات ایرج میرزا، گلایه‌مندی‌های نشاط گیلانی و وطن - سروده‌های محمدتقی بهار و عارف قزوینی نیز محصول همین دوران است. در همین زمان، نخستین منظومه نو برای کودکان، توسط ایرج میرزا سروده شده؛ منظومه علی‌مردان‌خان (پسر بی‌هنر) که از لحنی ساده و شیطنت‌های خانگی برخوردار است:

داشت عباس قلی‌خان پسری  
پسر بی‌ادب و بی‌هنری  
اسم او بود علی‌مردان‌خان  
کلفت خانه ز دستش به امان  
پشت کالسکه‌ی مردم می‌جست  
دل کالسکه‌نشین را می‌خست  
هر سحر که دم در، بر لب جو  
بود چون کرم به گل رفته فرو  
بس که بود آن پسر خیره و بد  
همه از او بدشان می‌آمد  
هر چه می‌گفت لله، لچ می‌کرد  
دهنش را به لله کج می‌کرد...

ایرج میرزا که در شعرهای خود با قافیه قرار

دیگر شاعران امروز دیده می‌شود، آثاری که یا مستقلاً برای کودکان سروده شده و یا آن که بعدها به ادبیات کودکان راه یافت. از این مجموعه می‌توان به آثار زیر اشاره کرد:

- پریا، دخترای ننه دریا، مردی که لب نداشت، بارون، به شب مهتاب: احمد شاملو
- علی کوچیکه: فروغ فرخزاد
- گل اومد، بهار اومد (برای کودکان)، سروده منوچهر نیستانی - تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۴۷
- طوقی: (برای کودکان) م. آزاد - تهران: انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۴۷
- لی‌لی‌لی حوضک: (برای کودکان)، م - آزاد - تهران: انتشارات فرزین، ۱۳۴۹



منظومه لی‌لی‌لی حوضک  
سروده م. آزاد  
تصویرگر: مرتضی زاهدی

مجموعه منظومه‌های نو که از ادبیات عامیانه بهره گرفته، بسیار بیش از عناوین بالاست، اما با وجود گرایشی که به چاپ منظومه‌های نو و متأثر از ادبیات فولکلوریک، به ویژه در دهه‌های ۶۰ و ۷۰، در عرصه ادبیات کودکان نشان داده شده، کمتر نشانه‌ای از آثار به یادماندنی و خلاق در میان آنها



دادن «گنه» و «قدح» گام تازه‌ای در ساختار شکنی شعر کهن برداشته بود، در این منظومه، به دایره واژگان و درونمایه‌ای خانگی یا می‌نهد که در نوع خود تازه و در خور توجه است؛ به ویژه آن که بدون شک مخاطب اصلی او در این شعر، کودکان هستند. به این ترتیب، می‌توان گفت که این شعر، شعری برای کودکان است نه درباره کودکان.

نیما که با سرودن منظومه‌های «افسانه» و «خانواده سرباز» پا به میدان شعر معاصر نهاده بود، به یک باره دیوارهای بلند شعر کهن را برداشت و به شاعران پس از خود امکان آن را داد که به دایره شعر و منظومه وسعتی تازه ببخشند.

اما پیش از نیما بد نیست به تلاش‌های تولی در سرودن منظومه «کارون» و کشف یکی از قالب‌های پر طرفدار شعر کودک، یعنی چهارپاره، اشاره شود. او اگر چه این شعر را برای کودکان ندارک ندیده بود، قالب پیشنه‌ای او بعدها چنان در رگ و پی شعرها و منظومه‌های کودکان پا سفت کرد که هنوز که هنوز است، این قالب، ستون بی‌تردید شعر امروز کودک به شمار می‌رود؛ قالبی که تقریباً تمام شاعران امروز هم چون نیما، شاملو، اخوان، فروغ، شفیعی کدکنی و حتی سهراب سپهری به آن علاقه نشان داده‌اند. این قالب به خصوص برای سرودن منظومه‌ها، چه برای بزرگسالان و چه کودکان، بسیار خوشایند و خوش‌فرم به نظر می‌رسد و به فراوانی مورد بهره‌برداری قرار گرفته.

توجه به منظومه‌های چهارپاره در شعرهایی چون قو (نیما)، بازگشت (فروغ)، دیوانه (نادرپور)، سگ‌ها و گرگ‌ها (اخوان ثالث)، بهار خاموش (شاملو) و مرغ معما (سپهری) نشانگر زیبایی کاربرد زبان و گنجایش لحن روایت در ابعاد چهارپاره است. شعرهایی که با وجود تعلق آن به ادبیات بزرگسالان، به راحتی می‌تواند در میان کتاب‌های نوجوانان نیز راه یابد و این به سبب سادگی زبان در کارکرد چهارپاره است. اگر چه در

شعرهای شاعران فوق، خط روایی منظومه، آن طور که در شعر کلاسیک به چشم می‌خورد، پر رنگ نیست و تنها در برخی از شعرهای آزاد اخوان ثالث یا عمران صلاحی، می‌توان به حضور روایت در شعر اشاره کرد، با این وجود هنوز رگه‌هایی از بیان مساجرا و خط داستانی در آثاری چون سریویلی (نیما)، رکسانا (احمد شاملو)، مسافر (سهراب سپهری)، سنگستان (اخوان ثالث)، آیه‌های زمینی (فروغ)، قطاری در به (عمران صلاحی) و درفش کاویان (حمید مصدق) به چشم می‌خورد. در حالی که در شعر معاصر دهه ۶۰ و ۷۰ تقریباً هیچ اثری از رپای روایت و یا به بیان ساده‌تر، حضور منظومه دیده نمی‌شود. به بیانی دیگر، روند حضور منظومه‌ها که با آهنگی تند و همه‌گیر از آثار کلاسیک فردوسی و نظامی آغاز شده بود، در شعر امروز به بن‌بستی کامل رسیده و یکی از شاخه‌های تنومند شعر فارسی، به کلی در شعر امروز ایران به فراموشی سپرده شده است و هیچ علاقه‌ای به پرداخت دوباره آن در شعر معاصر به چشم نمی‌خورد.<sup>(۱)</sup>

با وجود این، منظومه‌ها که روزگاری بار اصلی شعر کلاسیک ایران را به دوش می‌کشید و بعدها از شعر معاصر به کلی کنار گذاشته شد، بار دیگر در شعر کودک سربرافراشت و به آثاری ماندگار در عرصه ادبیات کودکان تبدیل شد. آثاری که در میان آن‌ها با عناوینی چون: خروس زری، پیرهن پری (احمد شاملو)، قهرمان (تقی کیارستمی)، اژدهای سیاه (جعفر کوش‌آبادی)، آرش کمانگیر (سیاوش کسریایی) و قصه طوقی (م. آزاد) برمی‌خوریم که بسیاری از آن‌ها یا به ادبیات ماندگار کودکان تعلق

۱. در این جا بد نیست اشاره‌ای شود به منظومه «قصه نگشوتنه»، سروده سپیده جدیری، شاعر معاصر که به زبان شکسته سروده شده (مراجعه شود به مجموعه شعر «خواب دختر دوزیست»، تهران: نشر معیار، سال ۱۳۷۹). این گرایش در شعر شاعران امروز بسیار اندک است.

(نیمیا، کانون پرورش، ۱۳۵۷)، بارون (احمد شاملو، نشر هفت رنگ، ۱۳۵۷) و دخترای ننه دریا (شاملو، امیر کبیر، ۱۳۵۹) روبه‌رو می‌شویم. این کتاب‌ها، تنها منظومه‌های ماندگار و درخور توجه در میان کتاب‌های پیش از انقلاب به شمار می‌رود. طی این سال‌ها، مثل‌هایی با عنوان‌های *دویدم و دویدم*، *یکی بود، یکی نبود* و *کک به تنور با نقاشی‌های جعفر تجارتچی* به چشم می‌خورد که هیچ کدام آن‌ها از ارزش ادبی - هنری برخوردار نیست و آغازی برای سهل‌ورزی در استفاده از گنجینه بی پایان ادبیات فولکلوریک به شمار می‌رود. با این وجود، قریب به اتفاق منظومه‌های چاپ شده در این دوره، جزو آثار به یاد ماندنی ادبیات کودکان به شمار می‌رود.

● از میان نزدیک به ۳۰ منظومه بررسی شده که به سال‌های پیش از انقلاب باز می‌گردد، دو کتاب *خروس زری*، *پیرهن پری* و *چی شد که دوستم داشتن؟* به عرصه ترجمه شعر تعلق دارد که هر دو آن‌ها توسط احمد شاملو عرضه شده‌و دو منظومه *پریا و مردی که لب نداشت*، *سروده احمد شاملو و علی کوچیکه*، *سروده فروغ فرخزاد* (و هم چنین شعر نیمه روایی «باز باران» گلچین گیلانی) تا سالیان بعد به صورت کتاب برای کودکان در نیامد و مجموعه آثار باغچه‌بان را نیز نمی‌توان کتاب چاپ شده برای کودکان نامگذاری کرد. در میان این مجموعه ۵ کتاب جعفر تجارتچی نیز به عنوان کتاب‌های بازاری کنار گذاشته شد. در این میان، مجموعه منظومه‌های *کهن*، هم چون *رستم و سهراب* (۱۳۴۷) از انتشارات امیرکبیر، *پیام* (م. آزاد، انتشارات رُز، ۱۳۴۷)، *هشت بهشت* (مهدی آذر یزدی، انتشارات اشرفی، ۱۳۵۰) و *قطاری در مه* (عمران صلاحی،

دارند و یا آن که تلاشی جدی برای ریسابی منظومه‌ها در آن به چشم می‌خورد.

### منظومه‌های کودکان در ادبیات معاصر، به زبان آمار

برای تدوین این بخش، نزدیک به ۱۴۰ منظومه کودکان مورد بررسی قرار گرفته که نتایج آن را می‌توان چنین خلاصه کرد: (۱)

● نخستین منظومه‌های معاصر در ادبیات امروز کودکان، در آثار جبار باغچه‌بان و در متن‌های *گرک و چوپان* (۱۳۰۸)، *پیروترپ* (۱۳۱۱) و *خانم خزوک* (۱۳۱۱) به چشم می‌خورد. اگر چه هیچ کدام این متن‌ها، شکل کتاب‌های امروز کودکان را ندارد و با تصاویر نه چندان زیبا همراه است، تلاش‌های باغچه‌بان در راه دادن شعر به عرصه ادبیات داستانی کودکان، در خور تحسین و توجه است. چاپ کتاب *موش و گربه* نیز در سال ۱۳۳۵، از طرف انتشارات کلاله رُز و با تصویرهای رنگی جواد پور، با اندکی توجه بیشتر به کتاب کودکان صورت گرفت.

● از نخستین منظومه‌های چاپ شده با تصاویر رنگی برای کودکان، می‌توان از کتاب «مرغ سرخ پسا کوتاه»، سروده پیروین دولت‌آبادی و تصویرگری آراییک باغداساریان نام برد که در سال ۱۳۴۱، از طرف انتشارات کتاب‌های چیبی به چاپ رسید. قطع و تصاویر کتاب زیبا و هنرمندانه است. پس از آن، با منظومه‌هایی چون *گل اومد، بهار اومد* (سروده منوچهر نیستانی، کانون پرورش، ۱۳۴۷)، *قصه طوقی* (سروده م. آزاد، کانون پرورش، ۱۳۴۷)، *لی‌لی‌لی‌لی حوضک* (م. آزاد، انتشارات فرزین، ۱۳۴۷)، *قهرمان* (تقی کیارستمی، کانون پرورش، ۱۳۴۹)، *آرش کمانگیر* (سپاوش کسرای، کانون پرورش، ۱۳۵۰)، *آژدهای سیاه* (جعفر کوش‌آبادی، انتشارات فرزین، ۱۳۴۹)، *خروس زری*، *پیرهن پری* (احمد شاملو، نشر نیل، سال ؟)، *افسانه*

۱. گزارش ارائه شده نویسنده به شورای کتاب کودک، خرداد ۱۳۸۰.

نشر دایوژ، سال ۱۳۵۵) از منظومه‌های برگزیده برای نوجوانان به شمار می‌رود.

● از میان ۱۱۰ منظومه بررسی شده که به سال‌های پس از انقلاب باز می‌گردد، تنها نزدیک به ۴۵ اثر به حیطه ادبیات مناسب کودکان راه یافت که این بسامد اندک، با عنوان‌های فراوان چاپ شده، تناسب چندانی ندارد. نکته قابل توجه دیگر، آن است که از میان انبوه منظومه‌های به چاپ رسیده پس از انقلاب، به کمتر کتابی بر می‌خوریم که ویژگی ادبیات ماندگار را در همه ابعاد آن، چه در زبان روایی شعر، چه در تصاویر و چه در قطع کتاب، همراه داشته باشد؛ ویژگی درخشانی که در منظومه‌های پیش از انقلاب یافت می‌شد.

از میان منظومه‌های چاپ شده پس از انقلاب، عناوین زیر از کیفیت بهتری در متن، قطع و تصاویر برخوردار است:

○ شنگول و منگول، سروده کرامت رعنا حسینی، نشر امیرکبیر، ۱۳۵۷

○ حسنک کجایی، سروده صمد پرنیان، نشر میلاد، ۱۳۵۷

○ قصه عمه گلچین، نوشته منوچهر کریم زاده، شعر از میرزا آقا عسگری، کانون پرورش، ۱۳۵۸

○ رهایی، سروده مینو مشیر، نشر مؤسسه انجام کتاب، ۱۳۵۹

○ هدیه بچه گنجشک، سروده علی میرزا بیگی، نشر مؤسسه انجام کتاب، ۱۳۶۳

○ دوستی کلاغ و کبوتر، سروده جعفر ابراهیمی، نشر سپیده، ۱۳۶۵

○ گرگ خسته، سروده میرزا آقا عسگری، نشر شهاب، سال؟

○ شیرین‌تر از پرواز، سروده قدمعلی سرامی، کانون پرورش، ۱۳۶۷

○ پر طلا، سروده اسدالله شعبانی، نهاد هنر و ادبیات، ۱۳۶۸

○ کلاغ تشنه، جعفر ابراهیمی، کانون پرورش، ۱۳۷۱

○ جوجه نافرمان، احمد خوانساری، خانه آفتاب، ۱۳۷۲

○ ظهر روز دهم، قیصر امین‌پور، نشر؟، ۱۳۷۳

○ افسانه درخت خرما و بزی (درخت آسوریک)، سروده محمد محمدی، نشر آستان قدس، ۱۳۷۳

○ خاله صبا و گل‌بابا، سروده جعفر ابراهیمی، نشر دوست، ۱۳۷۵

○ گل بی‌بی و بساد خزون، سروده نسربین مصمصامی، نشر نی، ۱۳۷۵

○ بزرگ نمیر، بهار میاد، سروده محمدمتقی بهار، نشر خانه‌سبز، ۱۳۷۶

○ هاجر عروسی داره، سروده رؤیا بیژنی، نشر روزگار، ۱۳۷۸

○ پریا، سروده احمد شاملو، خانه ادبیات، ۱۳۷۸

○ دخترای ننه دریا، سروده احمد شاملو، خانه ادبیات، ۱۳۷۸

○ آرش کمانگیر، سروده سیاوش کسرایی، خانه ادبیات، ۱۳۷۸

از میان منظومه‌های فوق، کتاب‌هایی چون حسنک کجایی؟ به دلیل برخوردارگی از درونمایه‌های اجتماعی، قصه عمه گلچین، به دلیل کیفیت شعر و تصاویر، افسانه درخت خرما و بزی، به دلیل بازنویسی افسانه‌ای از ایران باستان، کتاب‌های پریا و دخترای ننه دریا، به دلیل متن غنی و به یادماندنی آن و آرش کمانگیر، به دلیل باز آفرینی اسطوره‌های کهن، از ارزش ویژه‌ای برخوردار است. حتی در مجموعه این کتاب‌ها نیز عدم تناسب قطع کتاب، عدم زیبایی تصاویر و ضعف در نگارش متن سبب شده تا کمتر عنوانی از این مجموعه، خالی از نقص باشد و بتوان آن را در مجموعه ادبیات ماندگار قرار داد.

● منظومه‌های ترجمه شده

از میان کتاب‌های بررسی شده، نزدیک به ۲۰

زیر اشاره کرد:

- حسنک کجایی؟ سروده صمد پرنیان، ۱۳۵۷
- دامون، سروده خسرو گلسترخی، انتشارات مروارید، ۱۳۵۸
- سوقات بهار، سروده علی بابا چاهی، نشر؟، سال ۱۳۵۸
- او، تویی، سروده نصرت‌الله نیکروش، انتشارات الفتح، ۱۳۵۸
- حذف تدریجی درون‌مایه‌های اجتماعی در منظومه‌ها نشان دهنده فروکش کردن تب آرمانخواهی و عدالت جویی اجتماعی است.
- از مجموعه آثار بررسی شده، ۶۵ کتاب به موضوع داستان‌ها و افسانه‌ها تعلق دارد.
- ۲۷ عنوان از منظومه‌های بررسی شده، متأثر از ترانه‌ها و افسانه - مثل‌های عامیانه است و قریب به اتفاق آن‌ها به شیوه‌ای تجاری و سهل‌انگارانه عرضه شده. در میان این آثار، با عناوینی چون سنگول و منگول، روباه دم بریده، کدوی قلقله زن، ننه سرما، خاله سوسکه و مورچه و ملخ بر می‌خوریم که از میان آن‌ها سنگول و منگول، کدوی قلقله زن و خاله سوسکه بیش از بقیه تکرار شده.
- در ۶ عنوان از منظومه‌ها، ترانه‌های عامیانه درونمایه اصلی کتاب به شمار می‌رود. این آثار عبارتند از: گنجشک اشی منشی، بارون میاد جر جر، هاجر عروسی داره، لیلی‌لی حوضک، بزک نمیر بهار میاد، چه پسری، چه چیزی!
- در ۵ عنوان از منظومه‌ها، بازی‌های سنتی درونمایه اصلی منظومه‌هاست؛ مانند: دست کی بالا؟ عمو زنجیر بیاف، گندمو کی می‌خوره؟ حمومک مورچه داره، گمرگم و گله می‌برم که همگی آن‌ها توسط م. آزاد سروده شده.
- ۴ عنوان منظومه به اسطوره‌ها تعلق دارد؛ آرش کمانگیر (۲ کتاب)، بابک و درفش کاویان.
- ۴ عنوان منظومه شامل ظهر روز دهم، ضامن

عنوان به ترجمه‌هایی اختصاص دارد که به زبان شعر برگردانده شده و بیشتر آن‌ها برای مطالعه کودک و نوجوان مناسب است. در میان این کتاب‌ها با عناوین زیر روبه‌رو می‌شویم:

- خروس زری، پیرهن پری، ترجمه (احمد شاملو، انتشارات نیل، سال؟)
- فیل و کوران، ترجمه م. آزاد، انتشارات پدیده، ۱۳۴۷
- چی شد که دوستم داشتن؟ ترجمه احمد شاملو، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۶
- وقتی باران می‌بارد، ترجمه مرتضی بختیاری، انتشارات سین، ۱۳۶۰
- شاهین من برادر توام، ترجمه سرور پوریا، کانون پرورش ۱۳۷۰
- خرگوش بلبله گوش، ترجمه م. آزاد، کانون پرورش، ۱۳۷۳
- دختر باغ آرزو، ترجمه اسدالله شعبانی، نشر توکا، ۱۳۷۷
- کمبود آثار ماندگار در منظومه‌های چاپ شده پس از انقلاب، نشانگر آن است که با وجود کمیت فراوان منظومه‌های ارائه شده، هیچ شاعری برای تثبیت هویت ادبی خود در قالب منظومه، تلاشی نکرده و کمتر ناشری به جنبه‌های غیرتجاری منظومه‌ها اولویت داده. از منظومه «درخت خرما و بزی» که صرف‌نظر کنیم. تقریباً در هیچ موردی به تلاش استثنایی و خلاقانه برخورد نمی‌کنیم.
- بررسی آثار ارائه شده نشان می‌دهد که در سال‌های نخست انقلاب، یعنی طی سال‌های ۵۷ تا ۶۲، به نوعی ادبیات اجتماعی بر می‌خوریم که اگر چه متأثر از اندیشه‌ها و رویکردهای شتابزده سیاسی است، به گونه‌ای توجه به توده‌های پایین جامعه و تلاش برای تغییر محیط اطراف و آرمانگرایی وسیع در آن بازتاب یافته. از این مجموعه، می‌توان به منظومه‌های

آهو، فصل خون مهتاب و پیام به منظومه‌های دینی تعلق دارد.

● ۳ عنوان منظومه که هر سه آن‌ها در دوره پیش از انقلاب سروده شده، به درونمایه عشق پرداخته: دخترای ننه دریا، افسانه و گل اومد - بهار اومید. عدم حضور این درونمایه، در منظومه‌های پس از انقلاب نشانگر عدم حضور نوع ویژه‌ای از بیان عاطفی در ادبیات کودکان است. درونمایه‌ای که سالیان دراز با مثل‌هایی چون خاله سوسکه، به دنیای درونی کودکان راه یافته است.

### آمار پراکندگی ناشران در چاپ منظومه‌ها

● ۱۲ عنوان از منظومه‌های چاپ شده، به کانون پرورش تعلق دارد که تقریباً همه آن‌ها در لیست کتاب‌های مناسب قرار می‌گیرد. در سال‌های پیش از انقلاب، برجسته‌ترین منظومه‌ها توسط همین ناشر به چاپ رسیده.

● ۵ عنوان و یک مجموعه از کتاب‌های امیرکبیر، به منظومه‌ها تعلق دارد. در این مجموعه، منظومه‌های کلاسیک ایران، هم چون رستم و اسفندیار، تلخیص و چاپ شده است.

● از میان ناشران دیگر می‌توان به ۳ عنوان منظومه مناسب کودکان از نشر قطره، ۲ عنوان از انتشارات فرزین و ۲ عنوان از نشر روزگار اشاره کرد.

● انتشارات جعفر تجارچی و انتشارات دادجو (لاک‌پشت)، با گسترده‌ترین طیف منظومه‌های تجاری روبه‌رو هستند. از میان این منظومه‌ها می‌توان به پدیده شگفت‌انگیز «حسنی نگو، یه دسته گل»، سروده منوچهر احترامی و تصویرگری کیانوش لطیفی اشاره کرد که به دلیل بهره‌گیری از ضرباهنگی روان و دلنشین، در وسعتی انبوه مورد توجه کودکان و تقلید

شاعران کودک قرار گرفته. ارائه نامناسب شکل و قطع کتاب و تصاویر نه چندان زیبا و هنرمندانه، سبب شده این کتاب از راه‌یابی به حیطه کتاب‌های مناسب باز ماند.

در این میان به ۷ عنوان منظومه از انتشارات خانه ادبیات بر می‌خوریم که متن آن‌ها به حوزه ماندگارترین منظومه‌های ادبیات فارسی تعلق دارد. ولی متأسفانه به دلیل استفاده از تصاویر غیرهنرمندانه، از کارایی این مطالب کاسته شده است. منظومه‌های پریا و آرش کمانگیر، از این جمله‌اند.

● در میان قالب‌های انتخاب شده در منظومه‌ها، ۶۰ درصد به قالب آزاد نیمایی، ۲۰ درصد به مثنوی، ۱۵ درصد به چهارپاره و ۵ درصد به قطعه مربوط می‌شود.

● بیشترین تعداد منظومه‌ها در سال ۷۸ چاپ شده است.

در این سال با ۱۰ عنوان منظومه که اغلب آن‌ها خارج از رده کتاب‌های مناسب برای کودکان قرار دارند، روبه‌رو می‌شویم.

توجه به منظومه‌ها و ثبت ترانه‌های عامیانه که از ابتدای آغاز به کار کانون پرورش، جزو هدف‌های برنامه‌ریزی شده این مؤسسه قرار داشت و به چاپ آثاری ارزشمند انجامید، امروزه از سوی کانون پرورش و دیگر ناشران برجسته، موضوعی فراموش شده قلمداد می‌شود و سیل سراینده‌گان و شاعران ادبیات کودک نیز با هجوم به سمت مجموعه‌های حسنی‌ها و بازنویسی سهل‌انگارانه ترانه‌ها و مثل‌های فولکلوریک، هم چون خاله سوسکه، کدوی قلقله‌زن و گنجشک اشی مشی، جز برای سلیقه‌های فردی و بازارپسند خود، تلاش دیگری به کار نبسته‌اند و تاکنون تلاشی جدی برای بازپرداخت دین بزرگ خود به ادبیات فولکلوریک، انجام نداده‌اند.